

# امپرسیونیسم و امپرسیونیست‌ها



پرتال جامع علوم انسانی

در سال ۱۸۷۴ میلادی گروهی از نقاشان جوان که هنوز نامی نداشتند و تنها بخاطر اشتراك هدفی مبهم (شاید بیشتر برای گسستن بندهائی که قراردادهای خشك آكادمی پپای نقاشان بسته بود و نه بعلت پیروی از چند اصل قراردادی مجدد) دور هم گرد آمده بودند تا نمایشگاهی تشکیل دهند.

Cezanne . سیسیلی Sissily . دگا Degas . موریزو Morisot بچشم میخورد .  
تئودور دوره نویسنده و منقد و ادوارد مانه E.Manet که از دوستان پیسارو و از هواخواهان این گروه بودند معتقد بودند که در وضع موجود نمایشگاه آنان باریشخند مردم رو برو خواهد شد. با اینکه

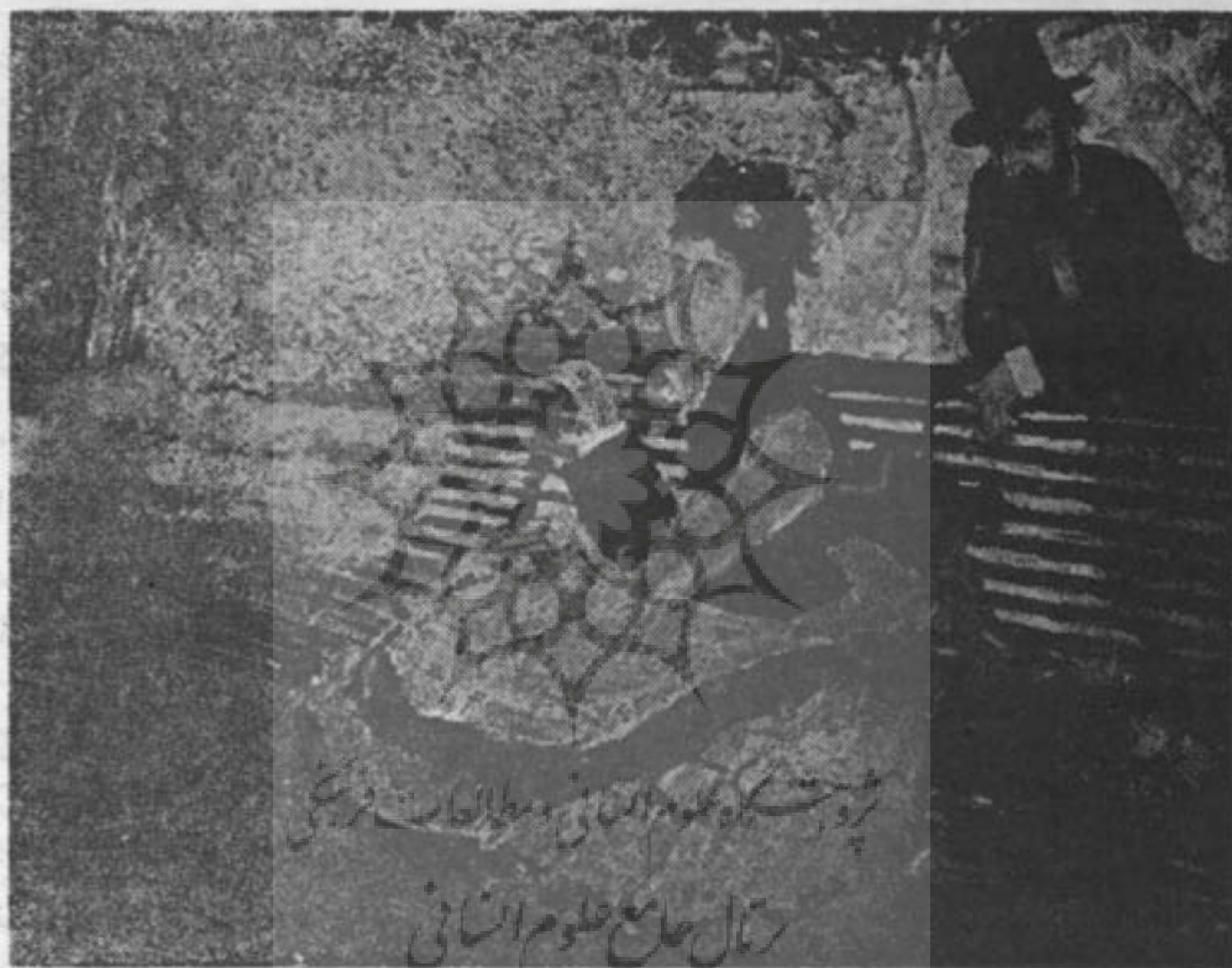
در میان این نقاشان اسامی مونه Monet پیسارو Pissarro . رنوار Renoir . سزان -

Theodore-Duret در حدود چهار سال بعد اولین جزوه امپرسیونیستها را منتشر کرد .



ما نه در آن زمان نقاش مورد اعتماد گروه و خود اولین کسی بود که نسبت به اصول آکادمی بی اعتنائی نشان داده بود گروه نقاشان جوان به عقیده او وقتی ننهادند . هنرمندان پیش از افتتاح نمایشگاه بر آن شدند که نامی برای گروه خود انتخاب کنند . رنوار ودگا بایک نام مشخص موافق نبودند ، مخصوصاً رنوار که میگفت آنها نباید وانمود کنند که مکتب جدیدی در هنر بوجود آورده اند . نکته جالب اینکه نقاشان این گروه که هر

شرکت سی تن و ۱۶۵۰ تابلو افتتاح شد . منقدین آمدند اما بیشتر بخاطر مسخره کردن و مردم دیدند ، ولی نفهمیدند و به نادانی و گمراهی هنرمندان جوان خندیدند ! ده روز بعد روزنامه نگاری بنام لوئی لروا Louis Leroy در مجله هجو - نویس هیا هو (Ge Lharivari) بطعنه نقاشان را امپرسیونیست (Impressioniste) نامید و کلود مونه عامل اصلی بوجود آمدن این نام بود زیرا یکی از تابلوهای که او بنمایش گذاشته بود «تأثیر ، طلوع خورشید L, inpression Soleil Levant»



(مونه : خانه ، مونه روی نیمکت)

نام داشت . روزنامه نگار مذکور این گروه را با استفاده از کلمه اول تابلو مونه تأثیر گرایان (Impressioniste) نام نهاد . اما عده ای از منقدین و نویسندگان که در

۱- ماهه یازده سال پیش از تشکیل اولین نمایشگاه امپرسیونیستها یعنی در سال ۱۸۶۳ با نمایش تابلوی «ناهار روی چمن» شهرتی همراه با رسوائی یافته بود .

کدام در کار خویش بکشف روابط تازه ای بین عناصر تجسمی نائل آمده بودند اعتقادی را که ما امروز به کار آنان داریم به آثار یکدیگر نداشتند . مونه ودگا فکر میکردند که آثار سزان آنقدر دور از ذهن و ناخوشایند است که با هیچگونه استقبال روبرو نخواهد شد . ولی پیسارو با اصرار زیاد بان قبولانید که آثار سزان هم بنمایش گذاشته شود .

بالاخره نمایشگاه در ۱۵ آوریل ۱۸۷۴ با



اقلیت بودند خیلی جدی آثار این گروه را مورد مطالعه قرار دادند و دریافتند که در هنر کشف تازه‌ای روی داده است، زیرا در آن ایام اعضاء آکادمی و نقاشان رسمی برای خط، اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل بودند و رنگ در درجه دوم قرار داشت، یعنی در اغلب آثار نقاشان آن زمان خط بود که به نقاشی شکل میداد و رنگ این شکل را پر میکرد. مانه با پیروی از دلاکروا به این اصل بی‌اعتنا بود و حتی خیلی بیشتر از دلاکروا تکه‌های متضاد یا هم‌آهنگ رنگ را بکار می‌برد.

امپرسیونیستها خط را طرد کردند و سعی نمودند که بین دو قسمت رنگی توهم خط به وجود نیاید. دیگر اینکه وقتی به اشیاء با سرعت نگاه می‌کنیم بر روی اعصاب چشم ماعکس العمل - های زودگذری بوجود می‌آید امپرسیونیستها می‌کوشیدند این تأثیر را بکمک رنگ روی پرده نقاشی ضعیف کنند. باین ترتیب آنها تأثیر نور اشیاء را بروی بوم می‌آوردند به عبارت دیگر آنچه را که قبلا در باره اشیاء میدانستند نقاشی نمی‌کردند بلکه جامه از نور را که در همان لحظه بر تن اشیاء بود با کمک رنگ تصویر مینمودند و همگی بخوبی میدانیم که این جامه با حرکت تدریجی خورشید بطرز حساسی بر رنگهای گوناگون در می‌آید و حتی اشیاء بر حسب درجه شفافیت رنگی خود در نور و رنگ فضای اطراف بسیار مؤثرند.

بنابراین نقاشان امپرسیونیست بر عکس نقاشان گذشته در محیط خارج از کارگاه کار می‌کردند و بر آن بودند که حرکت زمان و دگرگونی دائمی اشیاء دور و بر خود را در حالیکه زندگی در کنارشان جریان داشت در اثر خود نشان بدهند. چنانکه کلود مونه این دگرگونی را با چیرگی در تابلوهائی که از نمای يك کلیسا در فواصل مختلف روز نقاشی کرده ضبط نموده است.

نقاشان امپرسیونیست برای یافتن فضائی که امکانات بیشتری برای دست یافتن به مفاهیم تازه رنگ و نور با آن بدهد، به جاهای گوناگون از قبیل میدان اسب دوانی، ایستگاه راه آهن، سالنهای رقص، جنگلها، دریاچه‌ها و مسابقات قایق رانی میرفتند و یا از زندگی روزمره در شهر و حرکت کالسکه‌ها نقاشی می‌کردند.

ناگفته نماند که نقاشان امپرسیونیست گرد هم نیامده بودند تا از يك سلسله قوانین تغییر ناپذیر و يك تئوری ثابت اطاعت کنند. آنها به وسیله قدرت خلاقه خویش هدایت می‌شدند و در اثر مشاهدات پی‌گیر و صادقانه خویش به اکتشافات تازه دست می‌یافتند. هدف آنها کشف و خلق بود. بعبارت دیگر آنها از پیش طرح يك تابلو را نمی‌ریختند، بلکه آغاز به نقاشی می‌کردند برای اینکه ضمن کار به کشف تازه‌ای دست یابند. آنها با نقاشی دنیا را دوباره و چند باره میشناختند، زیرا در حین تعمق در احوال طبیعت در می‌یافتند که دنیا لحظه بلحظه در حال دگرگونی است و نمی‌تواند در يك قالب ثابت زندانی شود.

مطالعه در پنجمین نمایشگاه امپرسیونیستها مونه رنوار و سیسلی شرکت نکردند و این نمودار فاصله‌ای بود که چه از نظر ذوقی و چه از نظر تکنیکی بین پایه‌گذاران امپرسیونیسم ایجاد شده بود. آنها یازده سال با شجاعت در برابر تمسخر و اهانت مردم پایداری کردند تا بخلق آثار پرارزشی توفیق یابند، اما هر يك از آغاز کنندگان راه امپرسیونیسم که در کار خویش کمال می‌یافتند راهی مخصوص خویش به پیش می‌گرفتند. در حالیکه با آرمان مشترکی که آنان را به هم نزدیک کرده بود یعنی به طبیعت و آزادی وفادار بودند.